

## تحلیل مقایسه‌ای کاربرد آموزه‌های دینی در شعر سپیده کاشانی و نازک الملائکه

دکتر معصومه نعمتی قزوینی<sup>1</sup>

دکتر طاهره ایشانی<sup>2</sup>

چکیده

با گسترش روزافزون علم و تکنولوژی، انسان امروز، بیش از هر زمان دیگر خود را نیازمند بازگشت به معنویت می‌داند. به دیگر بیان رشد چشمگیر صنعت و تکنولوژی با تمام مزایایی که داشته، نتوانسته است جایگزینی مناسب برای پرکردن خلأهای ناشی از فقدان معنویت در زندگی بشر گردد که نتیجه آن، بازگشت ناخودآگاه جوامع بشری به دین و ارزش‌های اخلاقی است. در این میان نقش ادبیات به عنوان بخشی مهم از فرهنگ هر جامعه، در گسترش و ترویج آموزه‌های دینی و اخلاقی انکارناپذیر است، به طوری که با بررسی ادبیات هر دوره می‌توان سیر تحول فکری و فرهنگی آن جامعه را نیز مورد ارزیابی قرار داد. براین اساس، مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، اشعار دو بانوی شاعر و انقلابی از ایران و عراق یعنی سپیده کاشانی (1315-1371 ش) و نازک الملائکه (1923-2007 م) را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که هر دو شاعر به عنوان زنان مسلمان، آموزه‌های دینی را به طور گسترده در اشعار خود به کار برده‌اند. واژگان کلیدی: شعر معاصر پارسی و عربی، شعر متعهد، سپیده کاشانی، نازک الملائکه، آموزه‌های دینی.

1. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران. ایمیل: m.n136089@yahoo.com.

2. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران. ایمیل: taherehishany@gmail.com.

تاریخ پذیرش: 93/11/17

تاریخ دریافت: 93/7/22

## مقدمه

علت گرایش به دین مدتهاست که یکی از دغدغه‌های بشر به شمار می‌رود، به نحوی که ادیان الهی و مکاتب بشری هریک به فراخور دیدگاه‌ها و افق‌های فکری خود در پی پاسخگویی به آن برآمده‌اند. از دیدگاه اسلام و قرآن، گرایش به دین امری فطری است. به این معنا که دین‌گرایی از ابتدای خلقت در نهاد بشر وجود داشته است. (حاجی صادقی، 1384)

علت گرایش به دین هرچه باشد می‌توان آن را یکی از راه‌های گریز از فضای آشفته جامعه و تلاش در جهت دست‌یابی به فضایی توأم با معنویت و آرامش دانست. در این میان ادبیات به مثابه آینه‌ای است که می‌تواند بسیاری از جریان‌های فکری حاکم بر هر دوره از جمله گرایش به دین را درخویش منعکس نماید. به طوری که گرایش به دین علاوه بر آن که می‌تواند جهت‌گیری‌های فکری و اعتقادی شاعران را نشان دهد می‌تواند بیان‌گر میزان و شدت بحران‌های اجتماعی یا اخلاقی هر جامعه نیز باشد. (السید جاسم، 1990: 243)

از سوی دیگر، می‌توان ادبیات دفاع مقدس ایران و ادبیات پایداری عراق را به نوعی ادبیات متعهد نیز دانست. چنان‌که می‌دانیم باور «هنر برای هنر» اشاره به عقیده ارسطو دارد که «هنر هدف و غایتی ندارد و هدفش تنها تأثیر زیبایی‌شناختی بر خواننده و شنونده است» (ضیف، 1376: 10)، اما در مقابل این دیدگاه، باور و عقیده‌ای دیگر با عنوان «ادبیات متعهد» وجود داشت. بر این اساس، گروهی از جامعه‌گرایان به حمایت از این نظریه پرداختند. چنان‌که «الکساندر دوما - پسر - معتقد بود که ادبیات فاقد هدف ایده‌آل، ادبیاتی ناتوان و بیمار است که توان بقا و جاودانگی ندارد و تولستوی، غایت هنر را در تحقق برادری انسانی و گسترش دین جهانی می‌دید.» (رجایی، 1382: 29) همچنین «شارل لو تأکید می‌ورزد که ارزش‌های حقیقی هنر، ارزش‌های اجتماعی است. هنر در جامعه برده‌داری یا استبدادی با هنر در یک نظام دموکراتیک یا جمهوری همانند نیست. هنرمند برای چه کسی به خلق هنری دست می‌زند. برای مردمش این کار را می‌کند و می‌خواهد مردم نیز آن‌چه را او حس می‌کند، حس کنند و از آن‌چه او را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تأثیر پذیر هستند و با او در تأثیرپذیری‌ها، دریافت‌ها و حس‌هایش همراه شوند. پس زیبایی هنرش ناگزیر متأثر از ارزش‌های اجتماعی است که بر مردم حاکم است. این ارزش‌ها باید در نهاد هنرمند و ارزش‌های

خالص زیبایی شناختی‌اش راه یابد و گرنه از جامعه فاصله می‌گیرد و آثارش ناقص و بی‌دنباله خواهد ماند.» (ضیف، همان: 150)

با توجه به نظرات مختلف دربارهٔ نظریهٔ «ادبیات متعهد» همان‌طور که گفته شد می‌توان ادبیات دفاع مقدس و ادبیات پایداری را که نوعی سوگیری و جانبداری از ارزش‌های اجتماعی جامعه است، ادبیات متعهد دانست. چنان‌که اصطلاح «تعهد» عبارت است از «تمایل به موضوع یا قضیه‌ای خاص و تبدیل تأیید داخلی به تعبیر خارجی از آن تمایل. حال آن موضوع یا قضیه هر چه باشد و از هر نوع و سخنی که باشد فرقی در مفهوم کلی تعهد ندارد. ممکن است موضوع ادبی باشد یا غیر ادبی، مثلاً انسانی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و... ممکن است از دیدگاهی خاص، جنبه مثبت داشته باشد و از دیدگاهی دیگر، جنبه منفی، می‌تواند به یک اعتبار ارزش باشد و به اعتبار دیگر ضد ارزشی. آنچه در تعریف و بیان مفهوم تعهد لحاظ می‌شود، سوگیری و جانبداری است.» (رجایی، همان: 14). از این نظرگاه می‌توان دو شاعر برگزیده را شاعرانی انقلابی و متعهد محسوب نمود. چنان‌که علوی مقدم در توضیح و تعریف شاعر متعهد بر این باور است که «شاعران متعهد می‌کوشند که نوع دوستی و همدلی و محبت را در دیگران برانگیزانند و نسبت به تمام موجودات عالم هستی مهربان باشند. شاعران متعهد در سرودن شعر و ایجاد یک اثر هنری، هدفی جز پیشرفت بشریت ندارند و می‌خواهند به انسان‌ها اندرز دهند، ... حکام و امرا را به صلاح و سداد هدایت کنند. اینان می‌خواهند جامعه‌ای را پی‌ریزی کنند که بنیان آن بر عدل و داد استوار باشد. اینان چشم‌داشت مادی از هنر خود ندارند، ... می‌خواهند سیمای یک انسان آرمانی را ترسیم کنند و انسان‌ها را به شایسته‌ها فراخوانند و از ناشایسته‌ها دور سازند.» (علوی مقدم، 1383: 14)

براین اساس در مقاله حاضر سعی شده است تا با بررسی اشعار دو تن از شاعران متعهد انقلابی فارسی و عربی، میزان و نحوهٔ گرایش آنان به دین مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

## 1- پیشینه و سؤالات تحقیق

پژوهش حاضر بر آن است تا از رهگذر ادبیات تطبیقی (مکتب آمریکایی)، میزان و نحوهٔ گرایش دو شاعر انقلابی معاصر پارسی و عربی (سپیده کاشانی و نازک الملائکه) را به دین ارزیابی و تبیین نماید و وجوه تشابه و تمایز آن را توضیح دهد. لازم به یادآوری است این دو شاعر به دلیل اشتراکات زیر برای این تحقیق برگزیده شده‌اند:

- هر دو شاعر نماینده طبقه زنان جامعه خویش هستند؛
  - هر دو مسلمان هستند؛
  - هر دو شاعرانی انقلابی و متعهد هستند؛
  - هر دو از شاعران معاصر به شمار می‌آیند؛
  - هر دو نوگرا هستند؛
  - هر دو در شرایط سیاسی و اجتماعی تقریباً مشابه می‌زیسته‌اند.
- بر این اساس مقاله حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سؤالات است:
- سپیده کاشانی و نازک‌الملائکه به عنوان شاعران زن مسلمان و انقلابی، تا چه حد به آموزه‌های دینی توجه داشته‌اند؟
  - مهم‌ترین آموزه‌های دینی که در اشعار این دو شاعر مطرح شده کدام هستند؟
  - علت یا علل گرایش شاعران مورد نظر به دین چیست؟
- لازم به توضیح است، اگرچه تاکنون پژوهش‌های چندی درباره ادبیات و آثار هریک از این دو شاعر به صورت جداگانه صورت گرفته، اما به بررسی و بازتاب آموزه‌های دینی نه به طور جداگانه و نه به صورت مقایسه‌ای در شعر شاعران مورد بحث پرداخته نشده است.

## 2- نگاهی به زندگی و آثار سپیده کاشانی

«سپیده کاشانی فرزند حسین در سال 1315ش در کاشان متولد شد. وی شعر سرودن را از سال 1348ش آغاز کرد و در سال 1352ش دفتر شعر «پروانه‌های شب» را انتشار داد. وی در این مجموعه که در قالب شعر آزاد و غزل سروده، به جشن‌های 2500 ساله شاهنشاهی تاخته است. کاشانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با مطبوعات همکاری کرده، عضویت در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما و شورای شعر وزارت ارشاد را نیز در کارنامه خود دارد. مجموعه دوم او «سخن آشنا» است که پس از مرگ شاعر توسط پسرش در سال 1373ش به چاپ رسیده است. در همین سال حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، گزینۀ شعر جنگ از سپیده کاشانی را با نام «هزار دامن گل سرخ» منتشر کرد. همچنین گزیده اشعار وی توسط انتشارات نیستان در سال 1378ش به چاپ رسید.

از دیگر آثار او، یادداشت‌های وی طی دو سفر به جنوب در سال‌های جنگ تحمیلی است. نوشته‌های سفر اول با شب عاشورای 59 از خونین‌شهر آغاز می‌شود و یادداشت‌های سفر دوم، یادنامه‌ای از فتح‌المبین است. سپیده کاشانی در این سفر پرخطر به همراه شاعران حوزه هنری، پس از عملیات فتح‌المبین به جبهه‌های جنوب و غرب رفته است و از نزدیک حوادث جنگ، پیکرهای سوخته شهدا را با چشم دیده و درباره آن‌ها، اشعاری حماسی سروده و یا مطالبی را نوشته است. سپیده کاشانی در مجموعه‌ای که پس از مرگش گردآوری و چاپ شد، اشعار گوناگون اجتماعی سروده است؛ از جمله قطعه «فرزند بی گناه» به یاد کشتار کودکان فلسطینی، «رستخیز ستارگان» در وصف پیروزی انقلاب، مثنوی «سلام بر آبادان» و غیره. در واقع، سروده‌های او در دوران جنگ نقش زیادی در برانگیختن روحیه مبارزه و شهادت‌طلبی جوانان داشته است. سپیده کاشانی در سال 1371 بر اثر بیماری درگذشت. (صنعتی، 1389: 84 / حسین‌زاده بولاقی، 1387: 82 - 90)

## 2-1- بررسی آموزه‌های دینی در شعر کاشانی

### 2-1-1: کاربرد مفاهیم دینی همچون آیات قرآن، اذکار صلوات، تکبیر، دعا و...

سپیده، مفاهیم دینی فراوان را به صورت آشکار یا ضمنی در شعر خویش استفاده می‌نماید. در برخی موارد این مفاهیم را در قالب اشعاری حماسی، برای ترغیب رزمندگان به جنگ و پایداری در جنگ به کار برده است. همانند:

... / فریاد کن مؤذن کلاه‌اکبر ما / ویرانگر نظام ننگین خصم دون است / ... (کاشانی، 1389: 29)

... / قمری به بانگ «عجلوا» هشدار «قُم فانذر» دهد / از کوچه باغ سرخ خون، عاشق به منزل

می‌رود / ... (همان: 63)

... / وقتی غریو تندر تکبیر / این مژده نجات / تا بارگاه سبز خدا پیچید / ... / دیدم عزیز پرپر ما! /

دیدم تکبیر بی‌امان تو بر فرق دشمنان / سنگین‌ترین سلاح جهان بود / ... / سوگند به نام رهگشای

خداوند / با کوله‌بار سرخ پیامت / به پیش می‌رویم / تا تیرک درفش ظفر را / بر خاک خون گرفته

بکوبیم / الله اکبر! / ... (همان: 465-466)

... / گفتمت: ای خطبه صبر و شکیب! / «نصر من الله و فتح قریب» / ... / آمده فرزند تو

تکبیرگوی / آمده در جامه خون، سرخ روی / ... (همان: 207)

... / همه سر داده با فرمان رهبر / شعار وحدت و الله اکبر / ... (همان: 226)

... چنان ز حنجره «قم» فغان «فانذر»/ کشید آن که به ره، یار غمگساران بود/ که گشت  
 زینت لبها «خمینا لیبیک» /... (همان: 250)

... فریاد کردی: عزیزان، سر زد فلک، «فاستقاموا»!/ کاخ ستم را فرو ریخت فریاد عصیانگر تو  
 ... (همان: 276)

... رزمنده ما به نور ایمان می‌رفت /.../ در سایه پرشوکت قرآن می‌رفت /... (همان: 311)  
 ... ننگ جاوید اندوخت آن پلید تتاری/ خصم «الله اکبر» باغ گل کرد پرپر /... (همان: 280)  
 چنان که مشاهده می‌شود کاشانی در این اشعار، گاه جهت تشویق رزمندگان به مبارزه و حمله به  
 سوی دشمن و گاه در راستای توصیف جانفشانی‌های رزمندگان از مفاهیم دینی و قرآنی بسیار بهره  
 برده است. این امر به دلیل جنبه مذهبی و دینی حماسه رزمندگان و ایجاد انگیزه برای مقاومت و  
 پایداری در جنگ امری بدیهی است و البته کاشانی نیز به این مسأله واقف بوده و از آن بهره جسته  
 است.

گاهی نیز کاشانی در توصیف شخصیت‌های اسلامی، در شعر خویش از مفاهیم دینی بهره  
 می‌برد. به طور مثال در شعری با نام «شهید مدرس، قامت آزادگی» (همان: 177-182) شهید مدرس  
 را «از تبار پاک احمد، رهرو دین محمد، فاطمی مرد، مظهر ایمان، سرچشمه قرآن، به تشریف  
 شرف آذین، شهید عشق، صوفی مجلس، پارسا مرد و... می‌نامد. کاربرد فراوان چنین مفاهیمی  
 نشانگر اهمیت این موضوع از نظر کاشانی است. در ذیل به برخی از این موارد اشاره می‌گردد:

در شی دلگیر و وهم‌انگیز/ سینه‌ها از درد و غم، لبریز/ قاصدی از دور می‌آمد/ با سری پرشور  
 می‌آمد/ از تبار پاک احمد بود/ رهرو دین محمد بود/ فاطمی مردی، چراغ‌افروز/ زد صلا منزل به  
 منزل، روز/.../ سینه آن مظهر ایمان/ بود جوشان چشمه قرآن/ رایت توحید بر دوشش/ هرچه غیر  
 از او فراموشش /.../ آن به تشریف شرف، آذین/ از عدالت گفت و رسم دین /.../ تا که آن دژخیم  
 خون‌آشام/ داد از شهد و شرنگش جام /.../ آن شهید عشق در افطار/ جان شیرین داد بر دلدار/  
 صوفی مجلس، قدح در دست/ رفت و بر خوان خدا بنشست.

و در جایی دیگر در توصیف شخصیت شهید مفتاح در شعر «مفتح به محراب» (همان: 269-  
 271) از مفاهیم دینی و مذهبی بهره می‌برد. وی شهید مفتاح را در حالت شهادت این گونه توصیف  
 می‌کند که دست نیایش به سوی پروردگار بلند کرده و گرم مناجات عاشقانه با معبود خویش است.

شاعر در این شعر با نگاهی موشکافانه میان نام شهید مفتوح و سوره «فتح» پیوندی زیبا و ادبی برقرار می‌سازد:

.../ نگر که منجذب به جذبه‌های سبحانی/ گشوده دست نیایش سوی یگانه هنوز/ به لب نشانده گل «لااله الاالله»/ ستاده گرم مناجات عاشقانه هنوز/ .../ زنید نقش عبث، دشمنان دین بر هیچ!/ به کار فتنه چرا باید خودسرانه هنوز؟!/ .../ قسم به نور صداقت، قسم به صبح یقین/ دلیل راه نجات است صادقانه هنوز /.../ مفتوح است به محراب پر ز راز قُبا/ بشیر سوره فتح است آن یگانه هنوز.../ کاشانی هم‌چنین در شعر «شیرزنان ایران» (همان: 275-277) مادران شهید را طائران گلشن راز و دامان پاکشان را «مهد گل‌های قرآن» می‌داند که با تکیه بر قرآن به راه سعادت رسیده‌اند. از سوی دیگر، اشاره به قرآن به شکل‌های مختلف در شعر کاشانی نمود یافته است. این امر گاه با اشاره به «نام سوره‌های قرآن» و گاه با بهره‌گیری از «واژه‌های قرآنی» جلوه‌گر شده است. چنین مضمونی در شعر «ندیده دیده به رسوایی تو، ای سلمان» (همان: 143-145) که در هجو سلمان رشدی سروده شده است؛ مشاهده می‌گردد:

.../ زبان گشوده به توهین سر ما اوحی/ کشیده داس به تاراج بوستان خدا/.../ قسم به آیه آیه قرآن، قسم به سوره عصر/ قسم به تین و به زیتون، به نمل و سجده و نصر/.../ هم‌چنین کل شعر «سوگندنامه فجر» با مطلع: قسم به فجر، قسم بر طلوع صبح ظفر/ قسم به عزم دلیران، به راهیان سحر (همان: 263-266) در بردارنده این مضمون است. نمونه دیگر شعر «سعدی، سلیمان سریر شعر» (همان: 324-329) است که شاعر از نام سوره‌های «یاسین» و «طه» در مدح شخصیت سعدی بهره برده است.

## 2-1-2: مدح پیامبرگرامی اسلام (ص)

سپیده کاشانی در شعر «خورشید حجاز» (همان: 196-200) کاملاً به مدح و نعت حضرت رسول (ص) می‌پردازد که به قسمت‌هایی از آن اشاره می‌گردد:

ای نور یقین سلام بر تو/ ای محور دین سلام بر تو/ خورشید حجاز یا محمد/ محراب نیاز یا محمد/ در اوج تو نیست گر ثنائیم/ شرمنده ز گفت نارسایم/.../ ای در شب تیره، آیت صبح/ ای نور سحر، تلاوت صبح/.../ ای صاحب قبلتین ای نور/ روشنگر سوره‌های مستور/...

همچنین در شعری با نام «ندیده دیده به رسوایی تو ای سلمان» (همان: 143-145) ضمن هجو سلمان رشدی که کمر به اهانت به ساحت مقدس حضرت رسول (ص) بسته، چنین می‌سراید:

... / چراغ مرده تویی هان ز آفتاب مگو / سخن از او ز سر مهر، یا عتاب مگو / تو را مباد به لب، نام «مصطفی» بردن / سیاه‌نامه به سرچشمه بقا بردن / دهان ببند، مزن دم، پلید هرزه، درآ / تو را چه حد که بری نام آن عزیز خدا؟! / «محمدی» گل ما از نیاز مستغنی‌ست / کسی که مهر «محمد» ندارد از ما نیست

### 2-3: ذکر ائمه (ع) و خاندان پیامبر (ص)

کاشانی اشعار فراوانی در توصیف شخصیت‌های دینی به‌ویژه حضرت زهرا (س)، امام علی (ع)، حضرت محمد (ص)، امام حسین (ع) و خاندانش، و امام زمان (عج) سروده است. این مسأله نشانه ارادت او به ائمه معصومین (ع) و هم چنین حضرت رسول (ص) است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌گردد:

تمام شعر «خورشید حجاز» با مطلع:

- ای نور یقین، سلام بر تو / ای محور دین، سلام بر تو! (همان: 196)
- کل شعر «زهرا (س)» با مطلع: بر زنان آزادگی آواز کرد / قفل زنجیر حقارت باز کرد (همان: 152)
- کل شعر «زهرا (س) گل دامان وحی» با مطلع: در شبی ظلمانی و اندوهبار / لحظه‌ها می‌آمد از ره، سوگوار (همان: 158)
- کل شعر «رسول ظهر خون» با مطلع: زینب من، ای رسول ظهر خون! / آه، ای بانوی دشت لاله‌گون! (همان: 211)
- کل شعر «اسوه پایداری» با مطلع: خجسته باد قدوم تو، ای که بدر تمامی! / فروغ دیده‌ما، مهر جاودانه‌ی شامی (همان: 237)
- کل شعر «نور مبارک» درباره امام زمان (عج) با مطلع: در گریانش سحر ز آن سوی شب‌ها خواهد آمد / آن فروغ عدل آن قدیس تنها خواهد آمد (همان: 245)
- رباعی «یا زینب» با مطلع: ای شمع شبستان ولا، یا زینب ... (همان: 306)
- رباعی «یا زهرا!» با مطلع: ای دخت نبی، یار خدا! یا زهرا! ... (همان: 308)



- رباعی «یا فاطمه!» با مطلع: یا فاطمه، در بقیع و بیت‌الاحزان... (همان: 315)

- رباعی «در هجر علی (ع)» با مطلع: بر عرش گشود بال، زندانی خاک... (همان: 305)

و نمونه‌های دیگر:

.../ تو را مباد به لب، نام «مصطفی» بردن/ سیاه‌نامه به سرچشمه بقا بردن /.../ «محمدی» گل ما

از نیاز مستغنی است/ کسی که مهر «محمد» ندارد از ما نیست (همان: 145)

.../ کای محمد کوثرت بخشیده‌ایم/ مهر و مه در طالع او دیده‌ایم /... (همان: 159)

.../ به نور مرقدشش گوشه حسین قسم/ قسم به حرمت بشکوه نام پیغمبر /... (همان: 264)

.../ قافله‌سالار، رسول خداست/ آن که رحیم است و شفیع جزاست /... (همان: 206)

.../ یک سو احمد سوی دیگر علی/ راهگشاینده و نور جلی /... (همان: 210)

.../ تویی تو زینب آب، زینب ای عصاره عصمت!/ تو حلم فاطمه، علم علی، تو روح پیامی /.../

شکفتی ای گل صبر و شکیب دامن زهرا/ تو زینبی و چون نام تو نیست نادره نامی /... (همان: 282)

.../ ریشه سبز امامت پاگرفت/ گل به دامان خدیجه جا گرفت/ نام او را مصطفی «زهرا» نهاد/

آن مه از گردون فراتر پا نهاد /... (همان: 160)

.../ آن کس که در قدمش، شد کعبه نور باران/ بنگر ز خون پاکش، محراب لاله‌گون است /.../

(همان: 31)

.../ به آن که در دل پر رمز کعبه یافت ولادت/ قسم به او که به مسجد گرفت جام شهادت /.../

(همان: 82)

.../ محرم آمد از سفر، طلوع سرخ آن نگر/ شد از شکوفه‌های خون، درخت عشق، پر ثمر /.../

(همان: 69)

.../ طبل عزا به هر گذر، زمان به سوگ، غوطه‌ور / آه، محرم آمده! آه، محرم آمده! /... (همان: 70)

.../ آه، چون رفتی به دیدار حسین؟! / زینب ای وجدان بیدار حسین! /... (همان: 211)

.../ عزا عزای حسین است و خانه، خانه زهرا / شمیم کوثر از این سوگ جاودانه بیامد /... (همان: 249)

(249)

.../ ببر سلام ز ما تا به بارگاه حسین / ببر پیام ز مردان خطه خاور /... (همان: 265)

.../سلام ما به «حسین» و به تشنه‌ای که ز کوثر/گرفته مشک به دندان، دلاورانه بیامد/...  
(همان: 289)

.../باز هم خورشید عاشورا، علمدار شهیدان/ بین تجلی می‌کند هر لحظه بر محراب و منبر/...  
(همان: 261)

.../زینب شام را ببین، بدر تمام را ببین/ دخت قیام را ببین، ز صبر دارد او سپر/... (همان: 69)  
.../آمد به خواب سبز خیالم که عاقبت/ خورشید روشن از پس کولاک می‌رسد!/... (همان: 54)  
.../بنگر طلوع عدالت، تابنده از مشرق عشق/ پندار را پرده برگیر تا پرده‌داری بیاید!/... آن‌گه  
که بشکوفد آن گل، بر شاخسار عدالت/ از طرف هر لاله‌زاری، بانگ هزاری بیاید/... (همان: 66)  
.../حضورت طرفه گلزاری است ما چشم‌انتظاران را/ بیا مپسند از این بیش غوغای درون با  
من/... (همان: 95)

.../نور دل‌ها کی می‌آیی؟! دیر شد/ پُر جهان از ناله شبگیر شد/... (همان: 135)  
.../ای غنچه نرگس شکوفا شو/ برشاخسار معدلت وا شو/.../ میلاد عدل ای آشنا با توست/  
بشتاب تغییر قضا با توست (همان: 176)

## 2-1-4: استفاده از داستان‌های پیامبران الهی (ع)

از آن‌جا که کاشانی، شاعری مذهبی است، اشاره به داستان پیامبران الهی (ع) و زندگی آنان در شعر او جایگاهی خاص دارد. در واقع می‌توان گفت حضرت سلیمان (ع)، حضرت عیسی (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، حضرت نوح (ع)، حضرت ایوب (ع) و حضرت آدم (ع) در شعر کاشانی نمود یافته است.

او در مثنوی‌ای طولانی با نام «خورشید حجاز» (همان: 196-200) شخصیت حضرت رسول (ص) را مجموعه‌ای از ویژگی‌های پیامبرانی همچون «موسی، عیسی، ایوب، ابراهیم، آدم و سلیمان (علیهم السلام)» توصیف می‌نماید:

ای در خبر مسیح و موسی/ ای حجت کعبه و کلیسا!.../ ای وارث خاتم سلیمان!/ ای ختم به تو،  
نزول قرآن!.../ ای در تو شکیب و رأی موسی!/ ای در تو کمال زهد عیسی!.../ صبر تو فزون ز  
صبر ایوب/ محبوب‌ترین، ای خوب/.../ کردار خلیل و خوی آدم/ عیسی نفسی چو پور مریم/...

سپیده هم‌چنین در توصیف شخصیت حضرت زینب (ص) در شعری با نام «رسول ظهر خون» (همان: 211-212) با اشاره به نگین حضرت سلیمان (ع) و ارزش آن، چنین می‌سراید:

.../ زینب من ای رسول ظهر خون/ آه ای بانوی دشت لاله گون/.../ راه بستی بر تبار کفر و کین/ با کلامت ای سلیمانی نگین! /.../

و در شعری دیگر با نام «شکفت از دل شب، مهر نیمه خرداد» (همان: 251) قیام پانزده خرداد سال 1342 را همانند قیام پیامبرانی همچون موسی، عیسی و ابراهیم (ع) می‌داند:

قیام موسی و عیسی، قیام ابراهیم/ نهان به نهضت پیر خمین و یاران بود

### 5-1-2: دعوت به ایمان

کاشانی در شعر «آزادگان محراب» (کاشانی، 1389: 31 - 32) ضمن اشاره به شهادت حضرت علی (ع)، شهدای محراب، مخاطب را دعوت به خویشتن‌شناسی می‌نماید:

... برخیز و بشکن ای دوست، بت‌خانه درون را! / اینک زمان هجرت از خویش تا برون است/.../ درهای آسمان باز ای رهروان عاشق/ هنگام پر زدن از هنگامه درون است

### 6-1-2: دعوت به صلح

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در شعر کاشانی نمودی خاص دارد؛ اما شاعر با توجه به مصایب و ناگواری‌های ناشی از جنگ، آرزوی صلح را نیز در شعر خود بیان می‌نماید. به طور مثال، او در شعر «اینک این ما و این تاریخ» (همان: 278 - 281) خواهان ارسال پیام خود به جهانیان به صورتی واضح و روشن است: «از من ای دوست، زین خاک بر پیامی به عالم!»

وی در این شعر ابتدا وضعیت جامعه و کشور خود را چنین توصیف می‌نماید:

«مشتی از خاک برگیر، خاک این بوم، آری/ تا ببویی از این خاک، آشنا عطر یاری/ هر دم از سوگ یاران، چشمه جوشد به دامان/ چشم گردون ندیدست این چنین چشمه‌ساری/ بر فراق عزیزان، اشکمان ترجمان نیست/ آخر ای اشک بی‌سبب از چه باری؟! /.../ باد پیغام آرد هر دم از هجری تلخ/ می‌رسد هر دم از ره، مرکب بی‌سواری/.../ سوگ سروسخت بنگر، لاله صحرا به صحرا/ شمع بر کف گرفته‌است از پی سوگواری/ بوم خندد به یک سو، شمع گرید به سویی/.../»

و سپس چنین پیام خود را به جهانیان ابلاغ می‌نماید:

«از من ای دوست، زین خاک بر پیامی به عالم! / گو نهال محبت می‌دهد طرفه باری / ای بشر، گل بیفشان! گل به جای گلوله / دوستی هدیه آور از ره رستگاری / با پری از محبت، سیر عرش خدا کن / آی انسان، تو را بس، از وفا کوله باری! / دی گذشته‌ست و فردا روز قسط و عدالت / ای فرو رفته در خویش! بهر گفتن چه داری؟! / دشمنی، کینه‌توزی، غیر نفرت نزاید / حاصل آن گل رنج، در هوایی غباری / ...»

## 2-1-7: مدح شهیدان

کاشانی در اشعاری همچون «افطار خون» (همان: 29-30)، «آزادگان محراب» (همان، 31-32)، «داستان پیر کنعان» (همان: 41-42) ضمن کاربرد مفاهیمی دینی، به مدح و ستایش شهیدان می‌پردازد: ... در نینوای ایران کشتند عاشقان را / ما روزه‌دار عشقیم افطارمان ز خون است / مردان بی سر ما سامان شدند دین را / آوای این عزیزان از مرزها برون است / پاشی خون پاکان بر آسمان میهن / آنجا نوشت: یاران، اسلام رهنمون است (همان: 29)

... در شط خون شناور، آن لاله‌های پرپر / این داستان جانسوز افسانه قرون است / از قله‌های ایثار رفتند تا به معراج / ما را به سوگشان چشم دریا واژگون است (همان: 32)

عندلیب عشق از ویرانه سنگر گذشت / بال بر هم زد ز شوق از سنگر آخر گذشت / ذره شد در پرتو خورشید جان افروز عشق / در سماع سرخ سرابازان حق از سر گذشت / ... / با وضوی خون به باغ اختران سجاده برد / آگه از افسانه دنیای افسون گر گذشت / ... / آب شد تطهیر از خون گلوی عاشقان / وانگه از دشت شیبخون خورده خاور گذشت / ... (همان: 40)

## 2-1-8: تأکید بر حجاب

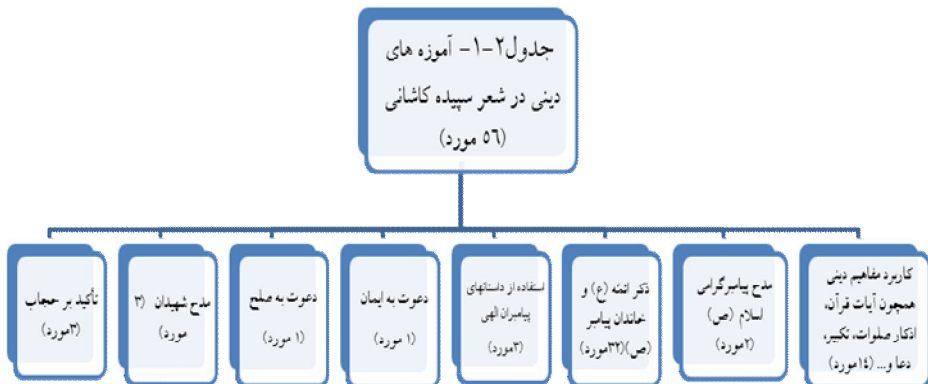
کاشانی در اشعاری همچون «آشیانه ما»، «شیرزنان ایران» (همان: 275-277) و «مادران دیروز، مادران امروز» (همان: 440-442) به ترتیب به توصیف زنان مؤمن ایرانی و همچنین مقایسه زنان دیروزی که فرزندان برای حفظ و صیانت این مرز و بوم پروردند و زنان امروزی که بی‌توجه به تربیت فرزندان خود هستند، می‌پردازد و گاه به طور ضمنی و گاه آشکارا به مسأله حجاب و ضرورت آن در جامعه اسلامی - در شعر «آشیانه ما» (همان: 25-26) چنین تأکید می‌نماید:

.../ تو از کدام تباری زن زمانه ما/ که گشت همت و ایثار تو فسانه ما/.../ درون سنگر ایمان تو  
با سلاح حجاب/ زدی صلاهی رهایی ز شب، یگانه ما/ کفن نبود حجاب تو ای نجیب صبورا/ که  
پرده‌دار عفاف تو در زمانه ما/...

و در جایی دیگر:

گردآفرین، آفرین باد بر صبر بار آور تو/ رشک بهار است ای زن، دامان گل پرور تو/.../ تو  
با سلاح حجاب در سنگر دین شکفتی/ عطر دل‌انگیز توحید، برخاست از سنگر تو/... (همان: 275)  
کاشانی در شعر «مادران دیروز و مادران امروز» پس از توصیف مادران امروز که مریم‌گونه،  
نگهبانان پاکی و نور هستند؛ با لحنی تند بر مادران امروز که فتنه‌گر بر بوم پوسترها، تا گریبان‌ها را  
چاک زدند؛ می‌تازد:

آه ای مریم‌ها/ مریم‌ها/ مادران دیروز/ ای نگهبانان پاکی و نور/ که طنین گرم لالایی‌های شما/  
از دل گهواره/ با دم عشق/ قهرمان می‌رویاند/.../ بر شما باد سپاس/ بر شما باد درود/.../ مادران  
امروز/ فتنه‌گر بر بوم «پوستر»ها/ تا گریبان‌ها را چاک زدند/ پایشان آهنگ شوق نریخت/ دامن  
چرکینشان زهد نژاد/ دستشان جز گل‌های مسموم/ در خیابان‌های عصر فضا/ هیچ نکاشت/.../  
چنان که مشاهده می‌گردد سپیده کاشانی به عنوان شاعر مذهبی انقلاب، از مضمون «آموزه‌ها و  
مفاهیم دینی» در شعر خویش بهره‌ای فراوان برده است. به طور کلی، مضامین و مفاهیم دینی موجود  
در شعر سپیده کاشانی را - همراه با بسامد آن - می‌توان در جدول زیر مشاهده نمود:



### 3- نگاهی به زندگی و آثار نازک الملائکه

نازک صادق الملائکه در سال 1923 میلادی در محله «عاقولیه»، یکی از مناطق قدیمی شهر بغداد و در یکی از خانواده‌های بزرگ، اصیل، متمول و اهل ادب چشم به جهان گشود (ملائکه، 1995: 29). مادرش «سلیمه الملائکه» معروف به «أم نزار»، شاعر و از پیشگامان جنبش حمایت از حقوق زنان در عراق (بقاعی، 1995: 32) بود و پدرش علاوه بر شاعری، استاد زبان عربی بوده است. نازک، نحو را از دوره متوسطه نزد پدر آموخت و پس از گذراندن دوره ابتدایی و متوسطه وارد دارالمعلمین بغداد شد. در سال 1944 تحصیلات خود را به اتمام رساند و موفق به اخذ درجه کارشناسی در رشته زبان عربی گردید (همان: 29-31). در سال 1947 اولین مجموعه شعری نازک با عنوان «عاشقة اللیل» در بغداد منتشر شد. پس از گذشت اندک زمانی از نشر اولین مجموعه شعری، قصیده «الکولیرا» را - به عنوان اولین تجربه شعر نو- سرود و نام خود را برای همیشه به عنوان یکی از پیشگامان اصلی شعر نو عربی ثبت نمود (همان: 30).

در سال 1950 پس از موفقیت در آزمون زبان انگلیسی دانشگاه کمبریج و کسب درجه عالی زبان انگلیسی، از طریق مؤسسه «راکفلر» آمریکا، عازم ایالات متحده گردید تا دوره یک ساله نقد ادبی را در دانشگاه «پرینستون» ایالت نیوجرسی طی نماید. در آنجا با استادان بزرگ نقد ادبی آمریکا آشنا شد و پس از پایان دوره در سال 1951 به عراق بازگشت و فعالیت در زمینه نقد ادبی و دفاع از حقوق زنان را آغاز نمود (همان: 32). در سال 1958، انقلاب عبدالکریم قاسم به وقوع پیوست. حوادث پس از انقلاب و انحرافات که در مسیر آن رخ داده بود وی را به شدت متأثر کرد و به مخالفت با قاسم و کمونیست‌ها متمایل نمود تا اینکه سرانجام در نتیجه فشارها و تهدیدهای حکومتی، در سال 1959 عراق را ترک گفت و عازم کویت گردید. (خلیل جحا، 1999: 361).

پس از به قدرت رسیدن حزب بعث عراق در سال 1968، نازک به دلیل مخالفت با رژیم بعثی، بار دیگر مجبور به ترک عراق و اقامت در کویت گردید. وی تا سال 1990 در کویت اقامت نموده و به تدریس در دانشگاه مشغول بود (نازک الملائکه، 2007: 1) تا اینکه در نتیجه تهاجم نظامی عراق به کویت در سال 1990 مجبور به ترک این کشور و سفر به قاهره شد. نازک سرانجام در سال 2007 در یکی از بیمارستان‌های قاهره در سن 84 سالگی چشم از جهان فرو بست و پیکرش در فضایی آکنده از غربت و اندوه و با حضور عده‌ای اندک از همسایگان مصری و پناهندگان عراقی،

در گورستانی خارج از قاهره به خاک سپرده شد (همان: 2). از نازک الملائکه هفت مجموعه شعری به یادگار مانده است که عبارتند از: *عاشقة الیل* (1947)، *شظایا ورماد* (1949)، *قرارة الموجة* (1957)، *شجرة القمر* (1968)، *مأساة الحیاه و أغنیة للإنسان* (1970)، *للصلاة و الثورة* (1977)، *یغیر ألوانه البحر* (1978).

وی علاوه بر شعر، کتاب‌هایی دیگر را نیز در زمینه‌های گوناگون به رشته تحریر در آورده است که عبارتند از: *قضایا الشعر المعاصر* (نقد ادبی - 1962)، *الأدب و الغزو الفکری* (مجموعه سخنرانی‌های شاعر درباره شعر علی محمود طه - 1965)، *التجزیة فی المجتمع العربی* (1974)، *سایکولوجیة الشعر* (1992)، *الشمس التي وراء القمة* (مجموعه داستان - 1997) (میربصری، 1994: 563). وی همچنین اشعاری را از برخی شاعران غربی مانند توماس گری، بیرون، روبرت براون، بلانشیمن و کریسمس همفریس به زبان عربی ترجمه کرده است. (علی، 1995: 40-41)

### 3-1- بررسی آموزه‌های دینی در شعر نازک الملائکه

#### 3-1-1: قرآن کریم

شاعر در قصیده‌ای با عنوان «دکان القرائین الصغیرة» یکی از خواب‌های خود را به تصویر می‌کشد که در آن به دنبال دکانی کوچک در بازار می‌گردد تا از آن قرآنی را خریداری کرده و به محبوبش که قصد سفر دارد بپسارد. شاعر ماجرای دقیق جستجو در بازار و رویدادهایی را که در این ماجرا برایش رخ داده به خوبی ترسیم کرده است. شاعر در این قصیده اصرار دارد که حتماً پیش از سفر، قرآن را به محبوبش برساند تا او را در پناه آن قرار دهد:

أین دکان القرائین الصغیرة / أشتري من عنده فی الحلم قرآنا جمیلا لحیبی / .../ عندما فی الغد یرحل / من مطار الأمس و الذکری حیبی / یتواری وجهه خلف التواءات الدروب..... (ملائکه، 2008: 96)

وی در قصائد «السماء علی غابة الصبیر»، «مرایا الشمس» و «زنایق صوفیة للرسول» نیز از قرآن کریم در اشعار خود استفاده کرده است.

3-1-2: دعوت به ایمان

نازک الملائکه در برابر حزن و اندوه زندگی به خداوند پناه می برد:

جئتُ يا ربّ تحتَ ليلی الطویل الـ      — مراً أبکی حزنی و حزنَ الوجود  
 حين ضاقتُ بی الحیاة و أسلمـ      —تُ قیادی للیأس و التکید  
 (ملائکه، همان: 184)

او به دیگران هم توصیه می نماید که برای پایان دادن به یأس و ناامیدی، به ایمان به خداوند روی آورند:

فلنلذ بأیمان فهو ختام الـ      — یأس و الدمع و الشقاء العاتی  
 (همان: 186)

3-1-3: استفاده از داستان های پیامبران الهی (ع)

حوا: نازک در قصیده ای با عنوان «أغنية الإنسان» در امور مبهم و فلسفی زندگی انسان تفکر کرده و نگاه خویش را به برخی از مسایل از جمله داستان آدم و حوا بیان می نماید. نگاه نازک به داستان آدم و حوا، نگاهی مثبت است. او نه تنها حوا را گناهکار نمی داند بلکه او را همانند پرمتهوس<sup>1</sup> می داند که اگر نور را به دنیای بشر هدیه نمی داد، انسان تا ابد در تاریکی و ظلمت به سر می برد. او خطای حوا را مایه رسیدن انسان به شعور و آگاهی می داند:

إیه حواء! کیف عوقبتِ بالنفـ      سی و لولاک ما عرفنا النورا  
 أنتِ یا من بعثِ الخلودَ بأحزا      نَ لِیالیکِ و اشتریتِ الشعورا  
 الخطایا التی اقترفتِ ستبقی      شعلا فی وجودنا و ضیاءا  
 (همان: 207)

هابیل و قابیل: شاعر در به تصویر کشیدن دنیایی که زشتی ها و رذایل اخلاقی در آن موج می زند از داستان هابیل و قابیل مدد می جوید. او داستان کشته شدن هابیل به دست قابیل و اولین جنایت بشر در روی زمین را برای مخاطب یادآوری می کند:

لم یشاهد قابیلُ تقتله الغیـ      رةٌ یمشی فی نقمةٍ محمومة  
 فی یدیه سکینه الحاقدُ المسـ      مومٌ فی مقلتیهِ طیفُ جریمه  
 (همان: 210)





سپس شاعر از اندوه آدم سخن می‌گوید هنگامی که فرزندان را می‌بیند که به جان هم افتاده و یکی به دست دیگری کشته می‌شود:

يا لأحزان آدمَ عندما أبـ صر بانبیه قاتلا و قتیلا

(همان: 212)

در ادامه می‌گوید پس از قایبل هم نسل‌هایی از بشر خواهند آمد که همان راه را در پیش می‌گیرند:

سوف یأتی جیل من الناس محمو مٌ یصیح الجنونُ فی رغباته  
یتمنی لو کانت الأرض لحمًا لیصبالمزیدَ من طعناتِه

(همان: 213)

در واقع شاعر با استفاده از داستان آدم(ع)، جنگ‌طلبی و ددمنشی بشر امروزی را مورد انتقاد قرار می‌دهد. به ویژه این که شاعر در دوره‌ای می‌زیسته که شاهد دو جنگ جهانی بوده است.

حضرت موسی(ع): شاعر به مناسبت پیشروی ارتش عربی در منطقهٔ جولان و صحرای سینا در روز شنبه دهم رمضان برابر با 6 اکتبر، قصیده‌ای را با عنوان «سبت التحریر» سروده که در آن به نیروهای اشغالگر رژیم صهیونیستی که همان بازماندگان قوم بنی اسرائیل هستند، هشدار می‌دهد که تا ابدالدهر در صحرای سینا سرگردان خواهند ماند و دیگر نه تنها موسی(ع) و هارون در میان آن‌ها نیست که موجب رهایی‌شان شود بلکه این دو پیامبر الهی هم به دلیل ظلم و تباهی‌شان بر آنان خشم می‌گیرند و نفرین‌شان می‌کنند:

و یوم السبت نُهدیه لصهیون: دقائقه البطیئات / ستجعلهم یلویون / وفی سیناءَ ثانیةً کما تهاهو -  
یتیهون / إلی ابد الزمان و لیس من موسی -لینقذهم- و هارون / فموسی غاضب یلعنهم / والسخط قد  
ألهب هارون / سلام الله و الحب علی وسی و هارون....(همان: 509 / 2)

شاعر در قصیده‌ای با عنوان «الماء و البارود» واقعه‌ای را روایت می‌کند که در یکی از جنگ‌های اعراب برضد اسرائیل رخ داد. در این رویداد که در ماه رمضان به وقوع پیوست، قسمتی از ارتش عربی که در صحرای سینا مشغول جنگ با اسرائیل بود با پایان ذخایر آبی مواجه شدند. ارتش عربی که با زبان روزه می‌جنگیدند در هنگامهٔ افطار با لبان تشنه از خداوند می‌خواهند که درهای رحمت خویش را به‌رویشان بگشاید و آنان را از تشنگی و هلاکت برهاند:

رَبَّاهِ فَجَّرَ بَيْنَ أَيْدِينَا عَيْونَ الْمَاءِ / هَاتِ اسْقِنَا يَا رَبَّ مِنْ لَدُنْكَ كَأْسَ رَحْمَةِ مَطْهَرَةٍ / يَا وَاعِدَ الْمُؤْمِنِ  
بِالصَّوْحُوِّ وَبِالظَّلِيلِ / هَاتِ اسْقِنَا كَمَا سَقَيْتَ الْوَلَدَ اسْمَاعِيلَ / كَمَا رَوَيْتَ أُمَّهُ الْوَالِهَةَ  
الْمُنْكَسِرَةَ / بَعْدَ هَيْبَامِ ضَائِعِ طَوِيلٍ / فِي مَدَنِ الْعَوِيلِ.... (ملائكة، 1998: 48)

در این هنگام هواپیماهای رژیم صهیونیستی وارد منطقه می‌شود و مناطقی را بمباران می‌کند که به ذخایر آب متصل بوده است. با این واقعه، چشمه‌های آب از دل زمین می‌جوشد و روزه‌داران سیراب می‌شوند. شاعر در روایت این واقعه از داستان ابراهیم (ع) و هاجر استفاده کرده و می‌گوید همان‌گونه که هاجر برای سیراب کردن اسماعیل (ع) از خداوند یاری خواست و خدا نیز در پایین پاهای فرزندش چشمه را جوشاند که هردوی آنها را سیراب ساخت، ارتش عربی هم برای رهایی از هلاکت از خداوند یاری خواست و خداوند نیز چشمه‌های آب را برایشان جاری نمود:

وَاللَّهُ فِي سَمَائِهِ يَقْدِرُ / يَدْبِرُ / يَمْطُرُ فَوْقَ صَوْمِكُمْ أَنْدَاءً / يُسْقِيكُمْ مِنْ يَدِ أَعْدَائِكُمْ أَحْلَى كَوْسِ  
الْمَاءِ / وَاللَّهُ لِلْمُؤْمِنِ ثَلْجٌ مَغْدَقٌ فِي لَهَبِ الصَّحْرَاءِ / وَوَجْهَهُ الْغَامِرُ فِي شِرَاسَةِ النَّيْرَانِ كَوْثَرٌ / وَطُوقُ وَرْدِ  
أَحْمَرٍ / وَبَلْسَمٌ وَ مَاءٌ..... (همان: 57)

#### 3-1-4: نفی رهبانیت

شاعر در قصیده ای با عنوان «أَنْشُودَةُ الرِّيَّاحِ» رهبانیت و گوشه‌گیری را نفی می‌نماید و دنیای رهبانان را دنیایی پیچیده، تنگ و حیرت‌آور می‌داند که شاید قلب‌های اندوه‌زده را به نور و روشنی وعده دهد اما هشدار می‌دهد که اگر انسان در چنین دنیایی وارد شود در می‌یابد که نه تنها به نور و روشنایی نمی‌رسد بلکه با پوچی مواجه خواهد شد:

فِي حِمَى الرَّهْبَانِ	مَا وَجَدْتُ الْمُئِنِي
قَاتَمَ الْجَدْرَانِ	عَالَمَ مَغْلَقِ
طَرْفَكَ الْحَيْرَانَ	وَ أَطْلَعَ عَلَيَّ
مَبْرَقُ الْغَدْرَانِ	شَاطِئِ أَحْضَرُ
غَامِضٌ لَا يَبِينُ	إِنَّهُ شَاطِئِ
كُلَّ قَلْبٍ حَزِينِ	وَاعِدَ بِالسَّنَا
أَرْضِهِ تَبْحَثِينَ	وَ هَبَطَتْ إِلَيَّ
شَاطِئِ الْعَابِثِينَ	أَسْفَا إِنَّهُ

(ملائكة، 2008: 1 / 327)

### 3-1-5: عدالت خواهی

از آن‌جا که نازک، شاعری اجتماعی و دین محور است، نفی تضاد طبقاتی و عدالت خواهی یکی از دغدغه‌های او است. وی در قصیده‌ای با عنوان «القصر و الكوخ» به تضاد طبقاتی جامعه خویش اشاره کرده است. شاعر در این شعر نارضایتی و نگرانی خویش را از این مسأله ابراز می‌دارد که چگونه کلبه‌های ساده و حقیرانه فقرا به قیمت پرشدن کاخ‌های باشکوه ثروتمندان، هر روز بیش از پیش غرق در غم و اندوه می‌شود. در چنین شرایطی حاصل دسترنج کشاورزان به راحتی نصیب کسانی می‌شود که حتی اندک زحمتی را برای متحمل نگشته‌اند. دهقانان از فقر و تنگدستی جان می‌دهند تا چشم اربابانشان به سود و منفعت زمین‌های کشاورزی روشن شود:

شهد الكوخ أنه يحمل الحز	ن لتحظى القصور بالخيرات
كيف يجنى الأزهار والقمح والأث	مار من لم يجرح يديه القدوم؟
ويموت الفلاح جوعاً ليفتر	لعيني رب القصور النعيم

(همان: 127)

### 3-1-6: دعوت به صلح

یکی از آرزوهای شاعر ریشه‌کن شدن جنگ و خونریزی و تحقق صلح و آشتی در سراسر جهان است. او آرزو می‌کند که روزی ناقوس‌ها به صدا درآیند و طنین نام آشتی در همه جا پراکنده شود:

- آه یا شاعرتی، غنی الأمانی	واسمعی، هذا هتاف المهرجان
فالنواقيس، علی البعد أغان	بشّرت بالفجر أحزان الزمان
- و صدی السلم علی کل لسان	فاتن النعمة علوی المعانی

(همان: 472)

او در موارد متعددی به ستایش صلح و آشتی می‌پردازد که عبارتند از:

یا ملاک السلام أقبل من الأج	وإء و اهبط علی الوجود الكئيب (همان: 40)
کم تغنی بالسلام و الحبّ و الرح	مة من شاعر و من فیلسوف (همان: 44)
یا نشید السلام یا ساکناً فی	قعر أحلامنا وراء مئانا
رفاً فوق الدنيا الحیة - و ابعث	لحن حبّ فی تهننا و دجانا

(همان: 294)

3-1-7: مدح شهیدان

شاعر در مواردی چند مقام شهیدان را مورد مدح و ستایش قرار می دهد و صدای آنان را طنینی جاودانه می داند که از گورهای معطرشان در فضا پراکنده می گردد:

وَمِنَ الْقَبْرِ الْمَعْطَرِ / لَمْ يَزَلْ مَنبَعًا صَوْتُ الشَّهِيدِ / طَيْفُهُ أَثْبَتُ مِنْ جِيْشِ عَنِيدِ (همان: 169 / 2)  
 كَمْ شَهِيدٍ مِنْ يَعْزِبُ مَاتَ عَظْشًا      نَ عَلَيْهَا مَمْرَقَ الْأَمَالِ (همان: 363)

در جایی دیگر، شاعر فردای فلسطین را ترسیم می کند که نام خدا در قدس و الخلیل طنین می افکند و شهیدان زنده می شوند و از خون‌هایشان گل‌های رنگین می‌روید:

عَدَاً عَدَاً يَخْتَلِجُ اسْمُ اللَّهِ فِي الْقُدْسِ وَ فِي الْخَلِيلِ / يَتَنَفَّضُ الْعَدْلُ الْمُدْمَى صَارِخًا، يَسْتَقِظُ الْقَتِيلُ / تَنْبُتُ  
 مِنْ دِمَائِهِ، زَهْرَهُ (همان: 501)

3-1-8: استفاده از شعار دینی الله اکبر

نازک در برخی از قصاید خویش که غالباً رنگ و بوی حماسی و مقاومتی دارد از شعار الله اکبر استفاده بسیار نموده است. به عنوان نمونه در قصیده «الماء و البارود» شانزده مرتبه از این شعار استفاده کرده است. وی در قصیده های «مرایا الشمس» و «میلاد نهر البنفسج» نیز از شعار دینی الله اکبر بهره برده است. هرسه قصیده در دیوان «یغیر ألوانه البحر» آمده است.

3-1-9: مدح پیامبر اسلام (ص)

شاعر در قصیده‌ای با عنوان «زنابق صوفیة للرسول» پیامبر گرامی اسلام (ص) را مورد مدح و ستایش قرار داده است. شاعر در این قصیده، حالات روانی خویش را به گونه‌ای ترسیم نموده که گویی برای لحظاتی در خلسه فرو می‌رود و با رسول گرامی اسلام (ص) دیدار می‌نماید و با او وارد سخن می‌گردد:

وما اسمک الحلو؟ / قال: أحمد / وامتلاً الجو من / دریج الإسراء / طعم القرآن / و امتدّ فوق إغماءة  
 البحر ضوءاً / من اسم أحمد... (نازک الملائکه، 1998: 78)

سپس به وجود مقدس آن‌ حضرت متوسل می‌گردد:

و قلتُ فی لهفئة أتوسل: أحمد، أحمد (همان)

و نام او را بهترین نام‌ها می‌خواند:

عیناک لیلۃ قدری و ریشک شمع و معبد / واسمک یا طائری أعذب اسم: أحمد، أحمد (همان: 78)  
 سپس چشمان وی را نماز، مغفرت و بسم الله می‌خواند و وجودش را مایهٔ امنیت و آرامش  
 خویش و گشایش در های بسته می‌داند:  
 و مقلتا أحمد صلاة / مغفرة / موعدا / بسمله / جناحه یجرف الخوف والحزن من حیاتی / یزیه أستاری  
 المسدله / یفتح فی عمری کل بوابة مُقفله / ..... (همان: 91)

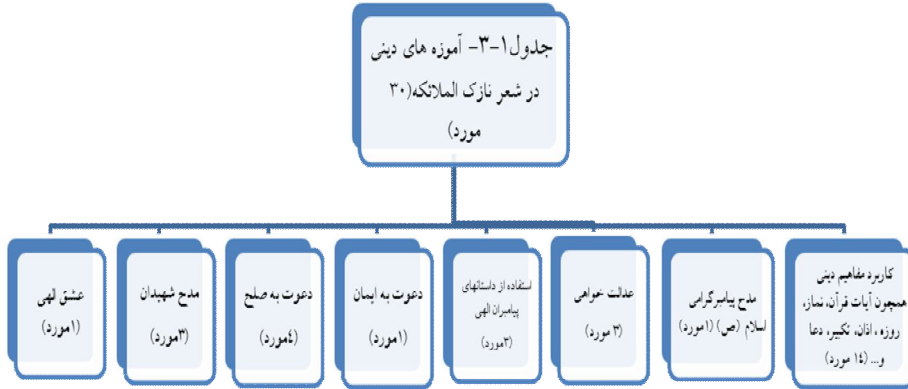
### 10-1-3: عشق الهی

نازک در قصیده ای با عنوان «سنابل النار» از سه نوع عشق سخن می‌گوید. در واقع او سه  
 مرحله را برای عشق ترسیم می‌کند: مرحلهٔ نخست، عشق زمینی است:  
 هوای الأول الحسی، دائرتی الصغیرة / حبّ إنسان من الناس.... (همان: 145)  
 مرحلهٔ دوم، عشق قومی است به این معنا که شاعر از عشق مرحله نخست ملول گشته و به دنبال  
 عشقی والاتر می‌گردد، او در این مرحله به عشق به وطن می‌رسد:  
 إننی أنفقت فی حبی الترابی سنینی / فإلی الدائرة الثانية الوسطی انقلینی /.... / إن حبّ الأرض أظهر /  
 من هوی مرّغ إحساسی فی الطین و عفر... (همان: 151).  
 مرحلهٔ سوم، مرحلهٔ تکامل عشق، یعنی عشق الهی است که از مراحل پیش کامل تر و متعالی تر  
 است:  
 ..واحملینی عبر آماد الدیاجیر احملینی / وإلی دائرتی الثالثة العلیا انقلینی /... حیث ألقى فی المدى  
 وجه ملیکی... (همان: 157)

### 11-1-3: استفاده از مفاهیم دینی

شاعر در اشعار خود به طور گسترده از مفاهیم دینی استفاده نموده است. با مروری به اشعار وی  
 از آغاز تا مراحل پایانی معلوم می‌گردد که وی در آخرین مجموعهٔ اشعار خود یعنی دیوان «یغیر  
 ألوانه البحر» به طور گسترده تر نسبت به قبل از مفاهیم دینی بهره برده است که این خود بیان‌گر  
 سیر فکری شاعر است که با تکامل فکری، به سوی گرایش‌های دینی در حرکت بوده است. نمونهٔ

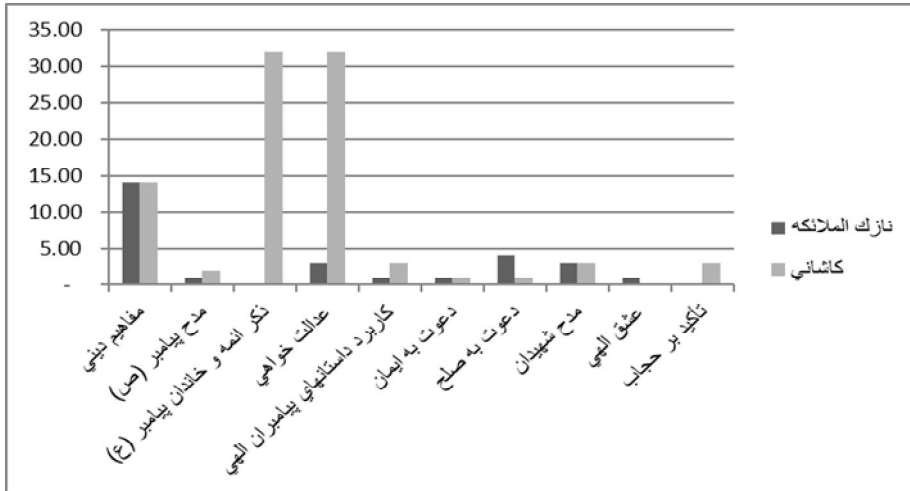
این مفاهیم عبارتند از: «بیت الله، آذان، مؤذن، صوم، إفتار، صفا و مروءة، دعاء، کوثر، صیام، قرآن، مکه، توسل، لیلة القدر، رمضان، سجود، رکعة، مصلى، بسملة، توبة، سجاده، منائر، صلوات، شیطان و...» مضامین و مفاهیم دینی موجود در شعر نازک الملائکه در جدول 2 نشان داده شده است.



### نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بیان شده و نمودار زیر معلوم گردید که هردو شاعر به عنوان شاعران زن مسلمان، به نحوی گسترده و چشمگیر از آموزه‌های دینی در اشعار خود استفاده نموده‌اند. با توجه به این نمودار می‌توان چنین برداشت نمود که:

نمودار 4-1- بسامد مؤلفه‌های دین‌گرایی در شعر دو شاعر



- مهم‌ترین آموزه‌های مورد توجه هر دو شاعر (آموزه‌های مشترک) عبارتند از:

- استفاده از داستان انبیای الهی (ع)؛

- مدح پیامبرگرامی اسلام (ص)؛

- استفاده از مفاهیم دینی و قرآنی؛

- مدح شهیدان؛

- دعوت به صلح؛

- دعوت به ایمان.

- علاوه بر این، برخی آموزه‌های غیر مشترک نیز در اشعار این دو شاعر وجود دارد که عبارتند

از: (تأکید بر حجاب) و (ذکر ائمه اطهار (ع)) در شعر کاشانی و (نفی رهبانیت)، (عدالت خواهی)

و (عشق الهی) در شعر الملائکه.

- ملاحظه می‌گردد که بیشتر آموزه‌های دینی به کار رفته در اشعار دو شاعر مشترک است و تنها در موارد اندکی به دلیل تفاوت مذهبی، برخی تفاوت‌ها نیز مشاهده می‌گردد مانند مسألهٔ حجاب یا ذکر ائمهٔ اطهار (ع) که تنها در شعر کاشانی به عنوان شاعری شیعی به کار رفته است.

- همچنین بررسی‌های صورت گرفته نشان از گرایش تدریجی نازک الملائکه به دین و آموزه‌های دینی دارد. به این معنا که هر قدر به مجموعه‌های پایانی اشعار وی نزدیک می‌شویم کاربرد مفاهیم دینی پررنگ تر می‌شود به طوری که در آخرین مجموعهٔ وی « یغیتر ألوانه البحر » اوج چنین گرایشی را می‌توان مشاهده نمود. شاید دلیل این امر را بتوان تغییر نگرش شاعر از رمانتیسم به واقع‌گرایی دانست. به طوری که هر قدر نگرش شاعر واقع‌گرایانه‌تر می‌شود؛ پیوند وی با جامعه بیشتر می‌شود و در نتیجه دردهای اجتماع برای او ملموس‌تر گردیده است. به عبارتی شاعر پناه بردن به دین را، راه گریز از تنگنایهای موجود می‌دانسته است. در صورتی که در اشعار کاشانی چنین روندی مشاهده نمی‌شود. در واقع، وی از ابتدا به عنوان شاعر مذهبی و انقلابی به سرودن شعر روی آورده و این مسأله تا زمان حیات ایشان ادامه داشته است.

- گستردگی استفاده از آموزه‌های دینی در اشعار هر دو شاعر ضمن تبیین میزان و نحوهٔ گرایش هر یک از آنان به آموزه‌های دینی، می‌تواند نشان‌دهندهٔ نقش‌آفرینی زنان در حوزهٔ تعلیم و تربیت دینی نیز باشد.

- به نظر می‌رسد مهم‌ترین علت گرایش دو شاعر به دین، صرف نظر از انگیزه‌های فردی، شرایط دشواری است که هر دو شاعر در آن می‌زیسته‌اند. درگیری با جنگ مهم‌ترین ویژگی دورهٔ هر دو شاعر است که پیامدهای ناگوار مادی و معنوی بسیاری برای دو کشور ایران و عراق در پی داشته است. ضمن اینکه متوسل شدن به آموزه‌های دینی و ترویج آن در شعر، موضوعی امیدبخش برای هر دو محسوب می‌شده است.



### پی‌نوشت

1. براساس اسطوره های یونانی، زئوس یعنی خدای خدایان، در عصر آفرینش انسان‌ها، پرومتهوس را که خدای آتش بود برگزید تا همه چیز را به انسان بدهد جز آتش را. پرومتهوس مورد اعتماد این کار را کرد و بسیاری از مسایل آدمیان را برطرف کرد او به انسان‌ها عشق می‌ورزید و نمی‌توانست ناراحتی و رنج آن‌ها را ببیند. به همین علت به دور از چشم زئوس آتش را به انسان داد. وقتی خبر به زئوس رسید او را بر سر قله قاف (درفقاز) برد و بست و او را به سزای اعمال خود رساند. هر روز عقابی می‌آمد و جگر او را می‌خورد و شب جگر از نو می‌رویید.

منابع و مآخذ

1. قرآن کریم.
2. بقاعی، ایمان یوسف (۱۹۹۵م)، نازک الملائکه و التغيرات الزمنية، بیروت: دار الکتب العلمیة.
3. جاسم، عزیز السید (۱۹۹۰م)، الالتزام والتصوف فی شعر عبدالوهاب البیاتی، بغداد: دار الشؤون الثقافیة العامة.
4. حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۸۴ش)، فطری بودن گرایش به دین، فصلنامه قیسات، سال نهم، شماره ۳۶.
5. حسین زاده بولاقی، شهربانو (۱۳۸۷ش)، بررسی شعر بانوان در ادبیات معاصر، شیراز: نوید شیراز.
6. خلیل جحا، میثال (۱۹۹۹م)، الشعر العربی الحدیث من أحمد شوقی إلى محمود درویش، بیروت: دار العودة.
7. درودیان، محمد (۱۳۷۶ش)، سیری در جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ اول.
8. رجایی، نجمه (۱۳۸۲ش)، شعر و شرر (تحلیل شعر انقلاب در ادبیات عرب)، مشهد: دانشگاه فردوسی، چاپ اول.
9. صنعتی، محمد حسین (۱۳۸۹ش)، آشنایی با ادبیات دفاع مقدس، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، چاپ اول.
10. ضیف، شوقی (۱۳۷۶ش)، پژوهش ادبی، ترجمه عبدالله شریفی خجسته، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ اول.
11. علوی مقدم، سید محمد (۱۳۸۳ش)، «شاعر متعهد کیست و شعر متعهد چیست؟» مجله ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد مشهد، پاییز و زمستان. شماره های: ۳-۴، ص ۹-۱۶.
12. علی، عبدالرضا (۱۹۹۵م)، نازک الملائکه الناقدة، بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر، چاپ اول.
13. قباد زاده، ناصر (۱۳۸۱ش)، روایتی آسیب شناختی از گسست نظام و مردم، تهران: فرهنگ گفتمان.
14. کاشانی، سپیده (۱۳۸۹ش)، مجموعه آثار سپیده کاشانی / سروده، تهران: انجمن قلم ایران.
15. الملائکه، نازک (۲۰۰۸م)، الأعمال الشعرية الكاملة، بیروت: دار العودة.
16. \_\_\_\_\_، دیوان یغیر ألوانه البحر، قاهرة: آفاق الكتابة.
17. \_\_\_\_\_، (۱۹۹۵م)، «لمحات من سیرتی»، مجله «الجديد»، دوره دوم، شماره ۷.
18. میر بصری (۱۹۹۴م)، أعلام الأدب فی العراق الحدیث، بی جا، دارالحکمة، چاپ اول.
19. «نازک الملائکه و ثورة الشعر الحدیث»، (۲۰۰۷م)، <http://abu-issac.blogspot.com>.